

بررسی رابطه‌ی سرسختی با هوش هیجانی و مقایسه‌ی آن در زنان و مردان دانش‌جوی شاغل دانشگاههای شهر تهران

کامیار کاوه

k.k.counsellor@gmail.com

کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه خاتم

دکتر سیده‌منور یزدی

dr_yazdi@yahoo.com

استادیار دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی سرسختی با هوش هیجانی در زنان و مردان دانشجویی است که شاغل می‌باشند. به‌علاوه، از دیگر اهداف این پژوهش، مقایسه‌ی هوش هیجانی و سرسختی میان دو جنس است. ۳۰۲ نفر دانشجو که به‌طور تصادفی ساده انتخاب شدند، نمونه‌ی این پژوهش را تشکیل دادند. روش پژوهش، پس‌رویدادی، از نوع همبستگی بود. ابزار سنجش، مقیاس دیدگاههای شخصی کوپاسا و پرسش‌نامه‌ی ارزش‌یابی هوش هیجانی شیرینک بود. براساس یافته‌های حاصل از به‌کارگیری آزمون آماری همبستگی، بین سرسختی و هوش هیجانی دانشجویان، رابطه‌ی معنادار وجود دارد؛ همچنین بین مؤلفه‌های تعهد، کنترل، و چالش در سرسختی و مؤلفه‌های خودآگاهی، خودکنترلی، هشجاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی در هوش هیجانی رابطه وجود دارد؛ نیز، رابطه‌ی معناداری بین مؤلفه‌ی خودانگیزی در هوش هیجانی با مؤلفه‌های سرسختی دیده نشد. آخرین یافته‌ی این پژوهش حاکی از آن است که زنان و مردان از نظر سرسختی و هوش هیجانی تفاوتی ندارند.

کلیدواژه‌ها: سرسختی؛ هوش هیجانی؛ کنترل؛ شاغل؛

مقدمه

سرسختی، یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که به عنوان عاملی برای ارتقای سلامت تلقی می‌شود. کوباسا^۱ (۱۹۷۹)، سرسختی را ترکیبی از باورها درباره‌ی خود و جهان می‌داند که فرد را در برابر فشارهای بیرونی و درونی مصون می‌سازد. در واقع این ویژگی، توانایی پردازش مناسب محرک‌های درونی و بیرونی است. سرسختی را نباید صرفاً یک نیروی خاص برای تحمل فراوان فشارهای روانی خلاصه کرد، بلکه وجود این سازه، فرد را در شرایط سخت پیش می‌برد و او را یاری می‌کند که وقایع تهدیدآمیز را با موفقیت بیشتری پشت‌سر گذارد. سرسختی توانایی درک درست شرایط پیرامون و قابلیت تصمیم‌گیری مطلوب در مورد خویشتن است. (مدی^۲ و اولت (کوباسا)، ۱۹۸۴ به نقل از جمهری، ۱۳۸۱).

به طور کلی، سرسختی بر تجربه‌ی درونی و دریافت ذهنی انسان تأکید می‌کند که دارای سه مؤلفه‌ی تعهد^۳ (در برابریگانگی^۴)، کنترل^۵ (در برابر ناتوانی^۶) و چالش^۷ (در برابر احساس خطر یا ترس^۸) می‌باشد. افراد سرسخت دارای ویژگی‌هایی مثل حس کنجکاوی قابل توجه، تمایل به داشتن تجربه‌های جالب و معنی دار، اعتقاد به مؤثر بودن آنچه که مورد تصور ذهنی است و ابراز وجود، نیرومندی، توانایی و مقاومت می‌باشند (عطاری و همکاران، ۱۳۸۳).

شخصی که از تعهد بالایی برخوردار است به اهمیت، ارزش و معنای این که چه کسی هست و چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، باور دارد و بر همین مبنا قادر است در مورد هر آنچه که انجام می‌دهد، معنایی بیابد و کنجکاوی خود را برانگیزد. این اشخاص با بسیاری از جنبه‌های زندگی همچون شغل، خانواده و روابط بین فردی کاملاً در آمیخته می‌شوند. افرادی که در مؤلفه‌ی کنترل قوی هستند رویدادهای زندگی را قابل پیش بینی و کنترل می‌دانند و بر این باورند که قادر هستند با تلاش خود، آنچه را که در اطراف آنها رخ می‌دهد، تحت تأثیر قرار دهند. چنین اشخاصی برای حل مشکل بر مسئولیت خود، بیش از عمل و یا اشتباه دیگران تأکید می‌کنند. چالش نیز باور این امر است که تغییر، نه ثبات و امنیت، که جنبه‌ی طبیعی زندگی است. اشخاصی که از چالش بالایی برخوردارند، موقعیت‌های مثبت و یا منفی را که به سازگاری مجدد نیاز دارد، فرصتی برای یادگیری و

^۱ Kobasa^۲ Maddi^۳ Commitment^۴ Alienation^۵ Control^۶ Powerlessness^۷ Challenge^۸ Threat

رشد بیشتری می‌دانند تا تهدیدی برای امنیت و آسایش. چنین باورهایی، انعطاف پذیری شناختی و قدرت تحمل رویدادها و موقعیت‌های میهم و ناراحت کننده‌ی زندگی را به همراه دارد (کوباسا، ۱۹۸۸ و مدی، ۱۹۹۰).

جودکینز^۱ وانگرم^۲ (۲۰۰۲) طی پژوهشی برای کاهش استرس میان سرپرستاران و به دنبال راه حل بلند مدت، نشان دادند که سرسختی و سازگاری با استرس در میان سرپرستاران قابل یادگیری و از طریق آموزش، افزایش می‌یابد. سرسختی از دو طریق در برابر استرس محافظت می‌کند: یکی با تغییر دادن و اصلاح نمودن ادراک از استرس، و دیگری با تجهیز به راهبردهای مؤثر سازگاری و کنار آمدن.

جودکینز و فرلو^۳ (۲۰۰۳) طی پژوهشی برای بهینه سازی سیاست‌های سازمانی در راستای کاهش هزینه‌های ناشی از استرس، دریافته‌اند که با افزایش سختی محیط کار، مدیران می‌توانند منافعی یکسان ولی با هزینه‌ای کمتر به دست آورند.

عطاری و همکاران (۱۳۸۳) طی پژوهشی بر روی افراد مبتلا به سرطان و افراد عادی، مشخص نمودند که بین زنان و مردان از لحاظ متغیرهای سرسختی روان‌شناختی^۴، هیجان‌خواهی^۵، سنخ شخصیتی الف^۶ غیرسمی و سمی تفاوتی وجود ندارد.

در مورد ارتباط بین سرسختی و ابعاد بنیادی شخصیتی برون‌گرایی و نوروزگرایی، پارکر و رندال (۱۹۸۸) نشان داده‌اند که سرسختی با برون‌گرایی، ارتباطی مثبت و با نوروزگرایی ارتباط منفی دارد. در این تحقیق سرسختی با سن نیز ارتباطی معکوس داشت.

هیل^۷ و نورول^۸ (۱۹۸۱) به نقل از قربانی (۱۳۷۳) اثر مداخله‌گر سرسختی و نوروزگرایی را روی ۲۳۴ مرد افسر پلیس گشت بزرگراهها مطالعه نمودند. آنها مایل بودند که ارتباط این دو متغیر را با استرس، فرسودگی^۹، نشانگان جسمانی، و ناراضی شغلی بررسی کنند.

امروزه مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف و نتایج حاصل از آن، موید این دیدگاه است که هوش هیجانی، تصویر و شمایی جامع، از توانایی شخص برای دستیابی به موفقیت می‌دهد (استوارت^{۱۰}، ۱۹۹۶ به نقل از بار آن^{۱۱}، ۱۹۹۹).

طبق نظر گلمن^{۱۲} (۱۳۸۲) بالاترین بهره‌های هوشی در حدود ۲۰ درصد در موفقیت زندگی روزمره نقش دارند؛ در حالی که ۸۰ درصد، مربوط به عوامل دیگر هستند، البته نه

¹ Judkins

² Ingram

³ Furlow

⁴ Psychological Hardiness

⁵ Sensation Feeling

⁶ Type I personality pattern

⁷ Hill

⁸ Norvell

⁹ Burn out

¹⁰ Ostwart

¹¹ Bar-On

¹² Goleman

به‌طور کامل و مطلق، بلکه این میزان از فردی به فرد دیگر متغیر است. مایر^۱ و سالوی^۲ نیز مدعی‌اند که هوش هیجانی یکی از قابلیت‌هایی است که به موفقیت در زندگی ارتباط دارد، اما هنوز قادر نیستیم مشخص کنیم که تا چه حد، هوش هیجانی در زندگی اهمیت دارد. در حیطه‌ی موفقیت در کار، گلمن معتقد است که فردی برخوردار از هوش هیجانی در کار، در دو حیطه‌ی کلیدی مهارت دارد و فرد، این مهارت را در چهارچوب قابلیت‌های هیجانی‌اش نشان می‌دهد. این دو حیطه‌ی مهم عبارتند از: شایستگی فردی (چگونه فرد خود را کنترل می‌کند) و شایستگی اجتماعی (چگونه فرد، روابطش را مهار می‌کند).

هیجان، مجموعه‌ای از معانی روان‌شناختی را منتقل می‌کند، در حالی که هوش برای یافتن انواع وقایعی که چنین احساسی را ایجاد کند، ضروری است. به عبارت دیگر سیستم هوش، شامل استعداد تشخیص، وارد کردن اطلاعات، و توانایی پردازش اطلاعات است؛ حال آن که هیجان، ارضا کننده‌ی این سیستم رمزی، پیچیده و جامع است (فلدمن^۳، ۲۰۰۱).

نظریه‌پردازان هوش هیجانی با دلایل زیستی و روانی، هوش هیجانی را از هوش شناختی تفکیک کرده‌اند. آنان معتقدند که هوش شناختی به ما می‌گوید چه کاری را می‌توانیم انجام دهیم، در حالی که هوش هیجانی به ما می‌گوید چه کاری را باید انجام دهیم. هوش شناختی شامل توانایی‌های ما برای یادآوری، تفکر منطقی و انتزاعی می‌شود، در حالی که هوش هیجانی به ما می‌گوید چگونه از هوش شناختی در جهت رسیدن به موفقیت در زندگی استفاده کنیم. هوش هیجانی شامل توانایی‌های ما در جهت خودآگاهی هیجانی و اجتماعی می‌شود و مهارت‌های لازم در این حوزه‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. هوش هیجانی شامل مهارت‌های ما در شناخت احساسات خود و دیگران، مهارت‌های کافی در ایجاد روابط سالم با دیگران، و حس مسئولیت‌پذیری در مقابل وظایف است. همچنین هوش هیجانی، شامل توانایی‌های ما در حفظ سلامتی خودمان می‌شود (گلمن، ۱۳۸۲). البته همه‌ی ما ترکیبی از هوش و هیجان را داریم. در واقع بین هوش عمومی و برخی جنبه‌های هوش هیجانی، همبستگی پایینی وجود دارد، ولی باید گفت این دو قلمرو اساساً مستقل از هم هستند (بار آن، ۱۹۹۹).

الیزابت اینگلبِرگ^۴ (۲۰۰۴) طی پژوهشی هوش هیجانی، عاطفه و سازگاری اجتماعی را روی ۲۸۲ نفر بررسی نموده است. در این تحقیق ابزار اندازه‌گیری عملکرد آزمودنی‌ها، مقیاس خود گزارش دهی^۵ بود. هدف از این تحقیق روشن کردن مؤلفه‌های هوش هیجانی و این که یک درک صحیح از هیجان‌ات دیگران می‌تواند با سازگاری اجتماعی و چگونگی

^۱ Mayer

^۲ Salovey

^۳ Feldman

^۴ Elisabeth Engelberg

^۵ Self-Report

واکنش‌پذیری از محرک‌های محیطی مرتبط باشد. یافته‌ها چنین نشان دادند که بین سازگاری اجتماعی موفقیت‌آمیز و هیجانات، ارتباط مستقیمی وجود دارد. این فرضیه که هیجانات ممکن است در سطح سازگاری اجتماعی مؤثر باشند، تأیید می‌شود.

یانگ^۱ (۲۰۰۳) بر این باور است که هوش هیجانی در زنان و مردان یکسان است و تفاوت آنان در پاسخ به خرده مقیاس‌ها می‌باشد.

بار آن (۲۰۰۰)، با مطالعاتی روی ۷۷۰۰ زن و مرد نتایجی را به دست آورد. در نمره‌ی کل هوش هیجانی تفاوتی مشاهده نشد، اما مردان در خرده مقیاس‌های خود شکوفایی، جرأت، کنترل استرس، کنترل تکانه، و سازگاری، نسبت به زنان نمره‌های بالاتری کسب کردند؛ در حالی که زنان در خرده مقیاس‌های همدلی، ارتباطات درون فردی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نسبت به مردان، نمره‌های بالاتری کسب نمودند.

ماندل^۲ و فروانی^۳ (۲۰۰۳)، تحقیقی تحت عنوان «ارتباط بین هوش هیجانی و سبک‌های رهبری» انجام داده‌اند که در ضمن این مطالعه، تفاوت‌های جنسیتی را هم بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین سبک‌های رهبری و هوش هیجانی ارتباط معناداری وجود دارد، در صورتی که تفاوت معناداری از نظر هوش هیجانی بین زنان و مردان دیده نشد. در نهایت میان نمره‌های سبک‌های مدیریت زنان و مردان تفاوتی یافت نشد.

بار آن (۱۹۹۹) طی پژوهشی دریافت که افراد خوش‌بین، شکست را چیزی می‌بینند که می‌تواند آن را تغییر دهند و در مرتبه‌ی بعدی موفق شوند، درحالی که افراد بدبین به‌خاطر شکست، خود را سرزنش می‌کنند و آن را به خصیصه‌های دیرپا در وجود خود نسبت می‌دهند که قادر به تغییر آن نیستند.

در تحقیقی پیرامون هوش هیجانی و روابط بین فردی که توسط شات^۴، مالوف^۵، باییک^۶، کوستن^۷، گریسن^۸، جولیکا^۹، رودز^{۱۰}، و وندورف^{۱۱} (۲۰۰۱) به نقل از خسرو جاوید (۱۳۸۱) صورت گرفت، نتایجی حاصل شد که می‌تواند اهمیت این سازه را در سازگاری زناشویی که بخشی از سازگاری کل است، برجسته کند. افراد با هوش هیجانی بالا، نمرات بیشتری در همدلی، خود بازمینی و خودکنترلی در موقعیت‌های اجتماعی کسب کردند. این افراد پاسخ‌های

¹ Yong

² Mandell, Babara

³ Pherwani, Shiloa

⁴ Schutte

⁵ Malouff

⁶ Bobik

⁷ Costen

⁸ Greeson

⁹ Jedlika

¹⁰ Rhodes

¹¹ Wendorf

همراه با یاری و مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان داشته‌اند. این افراد روابط نزدیک‌تر و محبت آمیزتری را از خود نشان داده‌اند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند، آنها همچنین در ایجاد و حفظ روابط کیفی بالا مهارت دارند.

فرقدانی (۱۳۸۳) به منظور بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر دوره‌ی کارشناسی، پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی شیرینک و پرسش‌نامه‌ی سازگاری بل را به کار بست. یافته‌های پژوهش مشخص نمود که بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی و نیز مؤلفه‌های هوش هیجانی (خودانگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، هشیاری اجتماعی، و مهارت‌های اجتماعی) و سازگاری اجتماعی، رابطه‌ی معناداری (در سطح ۰/۰۵) وجود دارد.

زارع (۱۳۸۰) در پژوهشی به منظور مطالعه‌ی توان پیش‌بینی موفقیت تحصیلی به کمک هوش هیجانی، با استفاده از پرسش‌نامه‌ی بهره‌یجانی بار آن دانش‌آموزان سال سوم را در شهر شیراز مورد آزمون قرار داد. نتایج حاصل از این پژوهش، همبستگی معناداری (۰/۶۸ = r) بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی نشان داد. نتایج حاصل از این پژوهش در زمینه‌ی تأثیر جنس بر نمرات پرسش‌نامه‌ی بهره‌یجانی نشان داد که در نمره‌ی کل هوش هیجانی بین دو جنس، تفاوت معناداری وجود ندارد، اما تفاوت معناداری بین دو جنس در خرده مقیاس‌های خود آگاهی هیجانی، همدلی، روابط بین فردی، و مسئولیت پذیری اجتماعی در سطح ۰/۰۱ به نفع دختران و در خرده مقیاس‌های قاطعیت، حرمت ذات، استقلال، انعطاف پذیری، تحمل فشار، و خوش بینی در سطح ۰/۰۱ به نفع پسران وجود داشت. در خرده مقیاس‌های خود شکوفایی، واقعیت‌آزمایی، کنترل تکانه، و شادکامی، تفاوتی وجود نداشت.

اهداف پژوهش

هدف اساسی این پژوهش این است که رابطه‌ی بین سرسختی و هوش هیجانی را تعیین کند. همچنین شناسایی رابطه‌ی بین مؤلفه‌های سرسختی و هوش هیجانی که از دیگر اهداف این پژوهش است که می‌تواند منجر به طرح‌ریزی روش‌هایی شود که از طریق آموزش توأم هوش هیجانی و سرسختی، بیشترین تأثیر را در ارتقای موفقیت و کارایی افراد داشته باشد. از سوی دیگر، در عرصه‌ی گزینش افراد متقاضی کار و نیز طرح‌ریزی برنامه‌ریزی آموزشی برای مدیران و کارمندان در راستای افزایش سطح کارایی آنان، نیاز به پژوهش حاضر

ضروری به نظر می‌رسد. همچنین مقایسه‌ی هوش هیجانی و سرسختی بین مردان و زنان، در همه‌ی موارد بالا، راهنمای مناسبی است که هدف دیگر این پژوهش را در بر می‌گیرد. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح می‌گردند:

- ۱- بین سرسختی و هوش هیجانی دانشجویان، رابطه وجود دارد.
- ۲- بین مؤلفه‌های تعهد، کنترل، و چالش در سرسختی و مؤلفه‌های خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، هشیاری اجتماعی، و مهارت‌های اجتماعی در هوش هیجانی رابطه وجود دارد.
- ۳- میزان سرسختی در زنان و مردان متفاوت است.
- ۴- میزان هوش هیجانی در زنان و مردان متفاوت است.

روش پژوهش

طرح پژوهش

از آنجا که در این پژوهش، وجود رابطه، میان سرسختی (و مؤلفه‌های آن) و هوش هیجانی (و مؤلفه‌های آن) مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، روش پژوهش را پس‌رویدادی از نوع همبستگی است.

آزمودنی‌ها

جامعه‌ی این پژوهش، کلیه‌ی دانشجویان (زن و مرد) دانشگاه‌های شهر تهران است که در زمان پژوهش (هنگام پرکردن پرسش‌نامه‌ها)، حداقل یک سال سابقه‌ی اشتغال در تحصیل و کار داشته باشند.

در این پژوهش، به روش تصادفی ساده، تعداد ۳۰۲ نفر از میان مردان و زنان دانشجوی دانشگاه‌های شهر تهران به عنوان نمونه انتخاب شدند. این افراد در زمان پرکردن پرسش‌نامه حداقل یک سال سابقه‌ی اشتغال در تحصیل و در کار داشته‌اند.

ابزار پژوهش

ابزار سنجش در این پژوهش، دو پرسش‌نامه بود: مقیاس دیدگاه‌های شخصی^۱ کوباسا و پرسش‌نامه‌ی ارزش‌یابی هوش هیجانی شیرینک.

۱- مقیاس دیدگاه‌های شخصی سوزان اولت (کوباسا)- این مقیاس دارای ۵۰ ماده است که آزمودنی در برابر هر ماده براساس آن که این ماده تا چه حد در مورد وی

^۱ Personal Views Survey

مصادق دارد، پاسخ خود را در یک مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت، از صفر (اصلاً درست نیست) تا سه (کاملاً درست است) مشخص می‌نماید. این آزمون دارای سه مؤلفه‌ی اصلی تعهد، کنترل و چالش است که هریک به ترتیب ۱۶، ۱۷ و ۱۷ ماده را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع، یک نمره‌ی کلی برای سرسختی و سه نمره برای مؤلفه‌های آن به‌طور جداگانه به‌دست می‌آید.

بیشتر ضرایب پایایی، چه در مورد نمره‌های فرعی سه مؤلفه‌ی سرسختی و چه در مورد نمره‌ی کلی، بالای ۰/۸۰ بوده است (کوساکا^۱ و موریتاکا^۲، ۱۹۹۶ به نقل از جمهری، ۱۳۸۱). در ضمن، همسانی درونی آزمون، توسط محققین نیز مورد بررسی قرار گرفته و برای نمره‌ی کل آزمون، آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به‌دست آمده است که تأییدی بر پایایی این آزمون می‌باشد. همبستگی پرسش‌نامه‌ی مذکور با سایر پرسش‌نامه‌های مفصل‌تر سرسختی، از جمله «مقیاس تفصیلی سرسختی»^۳، ۰/۸۹ به‌دست آمده است که این همبستگی نیز تأییدی بر روایی پرسش‌نامه‌ی دیدگاه‌های شخصی سوزان اولت (کوباسا) است (اسکاو^۴ و ماریان^۵، ۲۰۰۱ به نقل از جمهری، ۱۳۸۱).

۲- پرسش‌نامه‌ی ارزش‌یابی هوش هیجانی شیرینک - این آزمون ۳۳ سوالی، ۵ مؤلفه‌ی هوش‌هیجانی را تعیین می‌کند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، هشیاری اجتماعی، و مهارت‌های اجتماعی؛ پاسخ‌ها در یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، از ۱ تا ۵، توسط آزمودنی تعیین می‌شود. با انتخاب ۱، بیشترین موافقت آزمودنی با عبارت مطرح شده، اعلام می‌گردد و این موافقت با انتخاب سایر گزینه‌ها تا ۵ تقلیل می‌یابد. نمره‌های ۹ ماده از آزمون به صورت وارونه در نظر گرفته شده است. در مجموع، هر آزمودنی، ۶ نمره‌ی جداگانه دریافت می‌کند که یکی نمره‌ی کلی، و ۵ نمره‌ی آن مربوط به هریک از مؤلفه‌ها است.

روایی سازه‌ی این آزمون، از طریق همبستگی نمره‌های این آزمون با آزمون عزت نفس کوپر اسمیت، روی نمونه‌ای ۳۰ نفری مورد بررسی قرار گرفته است؛ یافته‌ها حاکی از آن است که میزان همبستگی بین نمره‌های این دو آزمون، از لحاظ آماری معنادار است ($p = 0.01$ و $r = 0.63$) و می‌توان گفت که آزمون هوش‌هیجانی از روایی سازه‌ی کافی برخوردار است.

^۱ Kosaka

^۲ Moritaka

^۳ Unabridged Hardiness Scale

^۴ Skau

^۵ Marianne

^۶ Shirink Assessment of Emotional Intelligence Inventory

در بررسی پایایی این آزمون، میزان همسانی درونی آزمون که روی یک نمونه‌ی ۴۰۰ نفری اجرا شد، به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ بوده است. این آزمون روی دانشجویان دانشگاه‌های تهران هنجاریابی شده و با توجه به آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برای کل آزمون، می‌توان گفت که آزمون هوش هیجانی شیرینک (فرم هنجاریابی شده‌ی ۳۳ سؤالی) از پایایی مناسبی برخوردار است (منصوری، ۱۳۸۰).

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها، در بررسی رابطه‌ی میان سرسختی (و مؤلفه‌های آن) و هوش هیجانی (و مؤلفه‌های آن)، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده و معنادار بودن آن، آزمون شده است. برای مقایسه‌ی سرسختی و هوش هیجانی در زنان و مردان از آزمون تی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

کل نمونه، ۳۰۲ نفر بود که از این تعداد، ۵۳/۳ درصد (۱۶۱ نفر) مرد و ۴۶/۷ درصد (۱۴۱ نفر) زن بودند. میانگین، انحراف معیار، بیشینه، و کمینه‌ی نمره‌های سرسختی (و سه مؤلفه‌ی آن) و هوش هیجانی (و پنج مؤلفه‌ی آن) به شرح جدول شماره‌ی ۱ می‌باشد.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار، بیشینه، و کمینه‌ی نمره‌های سرسختی، هوش هیجانی، و مؤلفه‌های آنها

سازه	میانگین	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
سرسختی	۷۶/۱۸	۱۳/۰۴	۱۰۰/۰	۲۵/۴۲
	۷۳/۷۶	۱۱/۴۲	۹۶/۰۸	۲۷/۴۵
	۵۲/۸۸	۱۱/۴۴	۸۲/۳۵	۲۱/۵۷
	۶۷/۴۰	۹/۶۰	۹۰/۰۰	۲۶/۰۰
هوش هیجانی	۷۴/۴۵	۸/۲۴	۹۷/۵۰	۴۲/۵۰
	۶۵/۱۰	۱۲/۲۴	۹۱/۴۳	۲۸/۵۷
	۵۷/۸۶	۷/۲۳	۸۰/۰۰	۴۰/۰۰
	۷۱/۸۴	۱۱/۰۱	۹۶/۶۷	۲۶/۶۷
	۶۸/۲۴	۶/۲۳	۸۱/۲۱	۴۵/۴۵

میانگین و انحراف معیار نمره‌های سرسختی و هوش هیجانی، به تفکیک زن و مرد به شرح جدول شماره‌ی ۲ است.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمره‌های سرسختی و هوش هیجانی به تفکیک زن و مرد

متغیر	میانگین		انحراف معیار	
	مرد	زن	مرد	زن
سرسختی	۶۷/۶۳	۶۷/۱۴	۱۰/۱۴	۸/۹۹
هوش هیجانی	۶۸/۵۲	۶۷/۶۳	۶/۶۳	۶/۳۹

جدول ۳- رابطه‌ی سرسختی با هوش هیجانی

ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۵۳
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۰۱
تعداد	۳۰۲

باتوجه به ارقام مندرج در جدول شماره‌ی ۳، ضریب همبستگی سرسختی و هوش هیجانی ۰/۶۵۳ و از نظر آماری در سطح $(p < 0/001)$ معنادار است. بنابراین، فرضیه‌ی اول پژوهش تأیید می‌شود؛ یعنی، بین سرسختی و هوش هیجانی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۴- رابطه‌ی مؤلفه‌های سرسختی (تعهد، کنترل، و چالش) با مؤلفه‌های هوش هیجانی (خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، هشیاری اجتماعی، و مهارت‌های اجتماعی)

مهارت‌های اجتماعی	هشیاری اجتماعی	خودانگیزی	خودکنترلی	خودآگاهی	سازدهای هوش هیجانی	سازدهای سرسختی
۰/۳۸۵ *	۰/۴۵۲ *	-۰/۰۴۲	۰/۴۴۷ *	۰/۴۱۲ *	تعهد	
۰/۳۹۶ *	۰/۴۹۱ *	-۰/۰۸۱	۰/۴۷۷ *	۰/۵۰۰ *	کنترل	
۰/۱۷۵ *	۰/۳۱۸ *	-۰/۰۲۷	۰/۳۳۸ *	۰/۲۹۰ *	چالش	

$p < 0/001$

براساس ارقام مندرج در جدول شماره‌ی ۴، بین مؤلفه‌های تعهد، کنترل، و چالش در سرسختی و مؤلفه‌های خودآگاهی، خودکنترلی، هشیاری اجتماعی، و مهارت‌های اجتماعی در هوش هیجانی رابطه‌ای مثبت و معنادار از نظر آماری وجود دارد. تنها، مؤلفه‌ی خودانگیزی در هوش هیجانی، رابطه‌ای ضعیف و منفی را با مؤلفه‌های سرسختی نشان داده است که هیچ کدام معنادار نیستند.

جدول ۵- مقایسه‌ی سرسختی در زنان و مردان

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها			آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		شاخص
معناداری (دو دامنه)	درجه‌ی آزادی	t	معناداری	F	
۰٫۶۵۹	۳۰۰	۰٫۴۴۲	۰٫۰۴۶	۴٫۰۱۱	سرسختی برابر فرض نشده

ارقام مندرج در جدول شماره‌ی ۵، حاکی از آن است که آزمون تی، تفاوت معناداری را از نظر آماری، بین میانگین‌های سرسختی در زنان و مردان نشان نمی‌دهد؛ ولی، نتایج آزمون لون که درباره‌ی پراکندگی نمره‌ها اظهار نظر می‌کند نشان می‌دهد که پراکندگی نمره‌های سرسختی در زنان و مردان از نظر آماری در سطح 0.05 معنادار است ($p < 0.046$). شایان ذکر است نتایج آزمون ناآماره‌ی یو من ویتنی^۱ تفاوت معناداری را از نظر آماری، بین میانگین‌های سرسختی در زنان و مردان نشان نمی‌دهد؛ مقدار $U = 10720.50$ در سطح 0.05 گویای این موضوع است.

با توجه به این‌که انحراف معیار نمره‌های سرسختی در زنان 8.99 و در مردان 10.14 است، پراکندگی بیشتری در نمره‌های سرسختی مردان مشاهده می‌شود.

جدول ۶- مقایسه‌ی مؤلفه‌های سرسختی در زنان و مردان

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها			آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		شاخص
معناداری (دو دامنه)	درجه‌ی آزادی	t	معناداری	F	
۰٫۲۰۴	۳۰۰	-۱٫۲۷۳	۰٫۰۵۱	۳٫۸۳۱	تمهد برابر فرض شده
۰٫۰۵۹	۳۰۰	۱٫۸۹۲	۰٫۱۳۷	۲٫۲۲۸	کنترل برابر فرض شده
۰٫۵۷۱	۳۰۰	۰٫۵۶۷	۰٫۸۹۲	۰٫۰۱۸	چالش برابر فرض شده

بر اساس ارقام مندرج در جدول شماره‌ی ۶ نتایج آزمون تی، هیچ تفاوت معناداری را از نظر آماری، بین میانگین‌های هیچ یک از مؤلفه‌های سرسختی در زنان و مردان نشان نمی‌دهد.

^۱ Mann-Whitney U

جدول ۷- مقایسه‌ی هوش هیجانی در زنان و مردان

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها			آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		شاخص متغیر و سازه	
معناداری (دو دامنه)	درجه‌ی آزادی	t	معناداری	F		
۰/۳۴۹	۳۰۰	۰/۹۳۸	۰/۵۷۴	۰/۳۱۷	واریانس‌های برابرفرض شده	هوش هیجانی

ارقام مندرج در جدول شماره‌ی ۷، حاکی از آن است که آزمون تی، تفاوت معناداری را از نظر آماری، بین میانگین‌های هوش هیجانی در زنان و مردان نشان نمی‌دهد.

جدول ۸- مقایسه‌ی مولفه‌های هوش هیجانی در زنان و مردان

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها			آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		شاخص متغیر و سازه	
معناداری (دو دامنه)	درجه‌ی آزادی	t	معناداری	F		
۰/۱۳۱	۳۰۰	۱/۴۷۷	۰/۴۸۷	۰/۴۸۳	واریانس‌های برابرفرض شده	خودآگاهی
۰/۶۶۱	۳۰۰	-۰/۴۳۹	۰/۹۳۱	۰/۰۰۶	واریانس‌های برابرفرض شده	خودکنترلی
۰/۴۲۷	۳۰۰	۰/۷۹۵	۰/۳۶۸	۰/۸۱۲	واریانس‌های برابرفرض شده	خودانگیزی
۰/۸۸۹	۳۰۰	-۰/۱۴۰	۰/۰۶۲	۳/۵۰۴	واریانس‌های برابرفرض شده	هشیاری اجتماعی
۰/۱۲۱	۳۰۰	۱/۵۵۷	۰/۶۷۴	۰/۱۷۷	واریانس‌های برابرفرض شده	مهارت‌های اجتماعی

براساس ارقام مندرج در جدول شماره‌ی ۸، نتایج آزمون تی، هیچ تفاوت معناداری را از نظر آماری، بین میانگین‌های هیچ یک از مولفه‌های هوش هیجانی در زنان و مردان نشان نمی‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که انتظار می‌رفت همبستگی بین سرسختی و هوش هیجانی از شدت خوبی برخوردار است. با توجه به ضریب همبستگی ۰/۶۵۳ می‌توان گفت که بیش از ۴۲ درصد تغییرات یکی از دو متغیر از روی دیگری قابل تبیین است. از آن‌جا که ویژگی شخصیتی سرسختی، باوری نسبت به خویش و جهان است که باعث می‌شود شیوه‌ی رویارویی فرد با

مسائل مختلف زندگی به گونه‌ای مؤثر و کارآمد باشد، و هوش هیجانی هم توانایی و ظرفیت دریافت، فهم و تنظیم هیجانات و استفاده از آن در افکار و رفتار خود است (سالوی و مایر، ۱۹۹۷). چنین همبستگی نسبتاً شدیدی دور از تصور نمی‌باشد.

همچنین ملاحظه می‌شود مؤلفه‌های خودآگاهی، خودکنترلی، و هشیاری اجتماعی (توانایی تشخیص هیجانات دیگران) با تمام مؤلفه‌های سرسختی به‌ویژه تعهد و کنترل، همبستگی بیشتری را نسبت به سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی نشان می‌دهند. شخصی که از خودآگاهی زیادی برخوردار است از هیجانات خود به خوبی آگاه است؛ کسی که از خودکنترلی بالایی بهره‌مند است، حالات هیجانی خود را به خوبی کنترل می‌کند؛ و کسی که هشیاری اجتماعی بالایی دارد، در تشخیص هیجانات دیگران توانمند است؛ چنین شخصی طبعاً رویدادهای روزمره‌ی زندگی را قابل کنترل و پیش‌بینی می‌یابد (کنترل) و برای خود و فعالیت‌هایی که در زندگی انجام می‌دهد (کار، تحصیل و...) ارزش و بهای زیادی قائل است (تعهد).

نیز، مشاهده می‌گردد که مؤلفه‌ی خودانگیزی یک همبستگی منفی با برخی مؤلفه‌های سرسختی نشان می‌دهد. این یافته می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که دانشجویان شاغلی که از سرسختی بالایی برخوردارند، کمتر خودانگیخته‌اند، هر چند این همبستگی منفی، از نظر آماری معنادار نمی‌باشد.

ضمناً نتایج آزمون تی، هیچ تفاوت معناداری را از نظر آماری، بین میانگین‌های هیچ یک مؤلفه‌های سرسختی و همچنین هیچ یک از مؤلفه‌های هوش هیجانی در زنان و مردان نشان نمی‌دهد.

این نتیجه با یافته‌های عطاری و همکاران (۱۳۸۳) درباره‌ی سرسختی همخوانی دارد و با یافته‌های بار آن (۲۰۰۰) و مانندل و فروانی (۲۰۰۳)، درباره‌ی هوش هیجانی نیز همخوان است. همچنین با یافته‌های یانگ (۲۰۰۳) و زارع (۱۳۸۰) درباره‌ی نمره‌ی کل هوش هیجانی مطابقت دارد؛ ولی با یافته‌های زارع (۱۳۸۰) در برخی خرده مقیاس‌ها همخوانی ندارد. شاید این ناهمخوانی ناشی از تفاوت در بافت نمونه‌ی پژوهش باشد؛ شایان ذکر است که زارع (۱۳۸۰) نمونه‌ی پژوهش خود را از دانش‌آموزان سال سوم شهر شیراز انتخاب کرده بود، در حالی که پژوهش حاضر روی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران صورت گرفته است.

با توجه به رابطه‌ی سرسختی و هوش هیجانی و این که هر دو می‌توانند پیش‌بینی کننده‌ی موفقیت باشند، اجرای آزمون سرسختی و هوش هیجانی حداقل برای برخی مشاغل که از حساسیت ویژه‌ای برخوردارند؛ مانند پرستاران، مدیران، مأموران امداد و... پیش از

استخدام، مفید به نظر می‌رسد. با بررسی سرسختی و هوش هیجانی در مراکز مشاوره‌ی شغلی، می‌توان توانایی‌های افراد و قابلیت‌های هیجانی آنها را کشف کرده و با توجه به نتایج، در انتخاب شغل مناسبی که به خوبی از عهده‌ی آن برآیند، راهنمایی‌شان نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- جمهری، فد (۱۳۸۱). بررسی رابطه‌ی بین سخت‌رویی و گرایش به اضطراب و افسردگی در بین زنان و مردان دانش‌جوی دانشگاه‌های شهر تهران. پایان‌نامه‌ی دکترای روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- خسرو جاوید، م. (۱۳۸۰). روان‌شناسی انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات سخن.
- زارع، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- علازی، ی.، نیسی، ع.، یوسفی، ن.، و نبوی‌حصار، ج. (۱۳۸۳). «مقایسه‌ی سرسختی روان‌شناختی، هیجان‌خواهی و سنخ شخصیتی الف غیرسمی و سمی در بین مردان و زنان مبتلا به سرطان و افراد عادی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر اهواز». مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۱(۱ و ۲)، ۱۰۱-۱۲۰.
- فرقدانی، آ. (۱۳۸۳). بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر دوره‌ی کارشناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- قربانی، ن. (۱۳۷۳). ارتباط سخت‌رویی، الگوی رفتاری تیپ ا، و رفتار مستعد بیماری‌های کرونری (تیپ اف). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- گلمن، د. (۱۳۸۲). هوش هیجانی. برگردان ن. بارسا. تهران: رشد.
- منصوری، ب. (۱۳۸۰). هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سبیریا شیرینک برای دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی مستقر در شهر تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Bar-On, R. (1999). *The Emotional Quotient Inventory: A measure of emotional intelligence*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems.
- Bar-On, R. (2000). Emotional and social intelligence: Insights from the Emotional Quotient Inventory (EQ-I). In R. Bar-On & J. D. A. Parker (Eds.), *The handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school and in the workplace* (pp. 363-388). San Francisco, CA, USA: Jossey-Bass.
- Engelberg, E., & Sjöberg, L. (2004). Emotional intelligence, affect intensity, and social adjustment. *Personality and Individual Differences*, 37(3), 533-542.
- Feldman, M. D. (2001). Becoming an emotionally intelligence physician [Commentary]. *Western Journal of Medicine*, 175(2), 98.
- Judkins, S. K., & Ingram, M. (2002). Decreasing stress among nurse managers: A long-term solution. *Journal of Continuing Education in Nursing*, 33(6), 259-264.
- Judkins, S. K., & Furlow, L. (2003). Creating a hardy work environment: Can organizational policies help? *Texas Journal of Rural Health*, 21(4), 11-17.
- Kobasa, S. C. (1979). Stressful life events, personality, and health: An inquiry into hardiness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37(1), 1-11.
- Kobasa, S. C. (1988). Hardiness. In G. Lindzey, R. F. Thompson, & B. Spring (Eds.), *Psychology* (3rd ed.). New York, NY, USA: Worth Publishers. Inc.

- Maddi, S. R. (1990). Issues and interventions in stress mastery. In H. S. Friedman (Ed.), *Personality and disease* (pp. 121–154). New York, NY, USA: Wiley.
- Mandell, B., & Pherwani, S. (2003). Relationship between emotional intelligence and transformational leadership style: A gender comparison. *Journal of Business and Psychology, 17*(3), 387–404.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D. J. Sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence: Educational implications* (pp. 3–31). New York, NY, USA: Basic Books.
- Parkes, K. R., & Rendall, D. (1988). The hardy personality and its relationship to extraversion and neuroticism. *Personality and Individual Differences, 9*(4), 785–790.
- Yong, L. (2003). *Yong EQ Inventory: Norms and technical manual* (2nd ed.). Retrieved 17 January 2007, from [http://www.leonard.com.my/pdf/Yong EQ Inventory Norms Technical Manual.pdf](http://www.leonard.com.my/pdf/Yong%20EQ%20Inventory%20Norms%20Technical%20Manual.pdf)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی